

مطلب دویست و نهم - لوح میرزا آقای افنان شیرازی
آقای معظم مکرم حضرت افنان آقائی آقا سیدم علیه من کل بهاء ابهه بلحاظ اطهر انور ملاحظه
فرمایند .

بنام یکتا خداوند بینای دانا

"سازج ذکر و ثنا سلطان قدم و دارای عالم را سزااست که به یک تجلی از تجلیات انوار جمالش خلیل را در
آتش نشانند و ذبیح را به محل فدا فرستاد عقل متحیر که این چه اشراق است اگر به ملک افتاد از ملک در
گذشت و اگر بر فقیر بحت تجلی نمود از عالم غنا بیزاری جست و اگر بر غنای بات توجه نمود از مقام خود
گذشت و در صف خادمان بخدمت ایستاد - قسم بدریای علم الهی که اگر آنچه ستر فرموده ظاهر فرماید
جمیع عالم را خلیل مشاهده نمائید و ذبیح عصر بینید و لکن این معشر خلیل بتبديل نار راضی نشوند و این
معشر ذبیح از مقرر فدا باز نگردند و این خادم فانی متحیر که چه گوید و چه عرض نماید هم متحیر است و
هم ممنوع در این صورت بحبل زدنی فیک تحیرا متمسک سبحان الله یک ندا هم سکر آورد و هم هوش عطا
نماید هم فراموشی آورد و هم علم کلثی کرم فرماید یا لیت کنت مأذونا بذکر ما رایت و عرفت الامر بیده
وحده لیس لاحد مقام و لا مجال و لا قدرة و لا قوة الا باذنه و عنایته روحی لذکرکم الفداء و لقیامکم الفداء
در ایامی که قصر منظر اکبر واقع یومی از ایام حین غروب جناب اسم الله م . ه . علیه من کل بهاء ابهه وارد و
بساحت اقدس فائز و بعد پاکتی به این عبد دادند و در آن دستخط آن حضرت و مکتوب جناب آقا میرزا
اسمعیل بود و در همان شب همچه اقتضا نمود که این عبد مجال یافت و جمیع را تلقاء وجه عرض نمود و
چون بانها رسید جمال قدم از مقرر برخاستند مشی مینمودند و میفرمودند یا افنانی طوبی لکم بما فرتم بعنایة
ربکم و عرفانه و الاقبال الیه و طوبی للذین یحبونکم لوجه الله رب العالمین انا رفعا مقاماتکم سوف ترونها
یشهد بذلک من توجه الی وجهی و عرف امری الاعظم و اقبل الی صراطی المستقیم یا افنانی ذکر عظمت امر
در اکثر الواح نازل لعمر الله انه اعظم من کل عظیم اگر شخصی در مقامات نفسی که الیوم موفق است بامر
الله تفکر نماید و بیابد از عظمت امر فی الجملة آگاه شود ان ربک یفتح باب العرفان علی وجه من یشاء انه لهو
المدبر الحکیم یا افنانی عنایت حق با شما بوده و خواهد بود به این بیان که از مشرق وحی رحمن بیکی از
متوجهین اشراق نموده ناظر باشید ای حسین به این کلمه مبارکه که بمثابه سفینه است در دریای عرفان
سلطان امکان متمسک باش اگر چه این کلمه قدیم است یعنی مظاهر امر از قبل بآن تکلم نموده اند و لکن

الیوم بطراز بدیع جدید ظاهر چه که اسرافیل حقیقی روح تازه معنوی در هیاکل الفاظ دمیده و آن این است من کان لله کان الله له و اگر در این بحر سیر نمائی خود را بروح تازه و اطمینان بی اندازه مشاهده نمائی و در هوای محبت نیر آفاق به پرهای شوق و اشتیاق پرواز کنی و بکمال فرح و انبساط و سرور و نشاط بر این صراط عدل مستقیم مشی نمائی ای افنان شما بحق اقبال نمودید یعنی عنایت او موفق باین مقام شدید و حق هم بکمال عنایت بشما متوجه همچو گمان نرود که ثمرات این عنایت مستور ماند لا و نفسی سوف یظهرها الله فی الارض انه ولیکم و معینکم انه لهو الغفور الرحیم ایام ظهور است و فضل لا یحصی انه لهو الفضال انه لهو المعطى انه لهو الکریم در جمیع احوال به حکمت ناظر باشید و بحق متوکل بیده حفظ کلثی انه لهو المقتدر القدير الهاء علیکم و علی من احبکم و علی من توجه الیکم و سمع ندائکم و ذکرکم انه ممن فاز بعناية ربه العليم الحكيم " انتهى

" و اینکه درباره جناب میرزا اسمعیل مرقوم داشتید مکتوب ایشان بتمامه عرض شد فرمودند در بعض آنچه ذکر نموده صادق است و باید با او ملاطفت و مدارا نمود لوح امنع اقدس هم مخصوص ایشان از سماء فضل نازل و ارسال شد ملاحظه فرمائید و بفرستید ان ربنا لهو الامر العليم الخبير و لکن بسیار میرزای مذکور پریشان شده اند اگر چه حق با ایشان است امر بزرگ بوده چه که نسبتش الی الله بوده و لکن قدری در بحر آگاهی متغمس شوند مشاهده میکنند که احسن و اعظم و اقوم و اکمل و اعلاى امور عالم بوده و خواهد بود وقتیکه این خادم فانی در عراق بود نورین نیرین شهیدین بعزم زیارت کعبه الهی بشطر زوراء توجه نمودند و در مراجعت از ارض طف بساحت اقدس فائز گشتند و بعد از اصغاء ندای الهی فی الحقیقه تغییر نمودند اظهار عنایت درباره ایشان مع آنکه در بین ناس معروف نبودند بشأنی مشاهده شد که بعضی را حیرت دست داد و متعجب بودند و بعد به امر الهی توجه بارض خود نمودند و ید قدرت ایشان را بلند نمود و بطراز عزت مزین فرمود و از سحاب کرم برکت بر ایشان بارید تا آنکه در آفاق عالم با اسم مالک قدم معروف و مذکور و فی الحقیقه مقرشان را در قلوب مقرر داشتند چنانچه مشاهده فرموده و میفرمائید و بعد از ورود ارض صاد دو عریضه از ایشان به ساحت اقدس رسید و همچنین عرایض دیگر بکمال عجز و ابتهال سائل و آمل شدند مقامی را که بآن فائز گشتند کدام فضل اعظم از این است که الحمد لله در دار دنیا با اسم حق ظاهر بودند و مشرکین هم در حضورشان به خضوع مشاهده میشدند و در آخر ایام هم بمقامی فائز گشتند که ذکر آن بقلم این عبد محدود نشود و به بیان این فانی در نیاید از الواحی که در این مصیبت کبری از سماء مشیت

مالک وری نازل شده معلوم و محقق میشود یا محبوب فؤادی صد هزار طوبی لهم و صد هزار حسرت از برای این عبد گویا در هر حین بالسن عالم به یا لیتی کنت معهم ناطق در این فقره ملاحظه نمائید که سید عالم شهید شد به آن تفصیل که بسمع مبارک رسیده و ایشان از عباد ایشان محسوبند مع ذلک شهادت ایشان اثرش بیشتر و نفوذش کاملتر و حرقنش زیادتر مشاهده میشود تعالی من رفعمهم و تعالی من عززهم و تعالی من جعلهم فائزین بهذا المقام الذی انفق الاولیاء ارواحهم للبلوغ الیه قسم به محبوب عالم که حسرت این فقره از قلب این خادم زائل نمیشود استله تعالی بان یوفقنی علی ما یحب و یرضی انه لهو المقتدر القدیر و اینکه امور را راجع به حق فرمودید و باو تفویض نمودید در این فقره فرمودند نعم ما عملو ان رهیم الرحمن لهو العلیم الخبیر یظهر ما یشاء بسطان من عنده انه لهو الذی لا یعجزه شیء و لا یمنعه جنود و لا یضعفه سطوة کل قوی و غلبة کل قادر انه لهو الحاکم علی ما یشاء و الفاعل لما یرید " انتهى

"در این ظهور اعظم مشاهده شده آنچه که از برای نفسی مجال شک و ریب نبوده و نیست مگر نفوسی که باعثساف قیام نمایند و بظلم بحت بات تکلم کنند و آنچه در امورات بعد که از قبل در الواح الهی نازل شده بتصریح تمام بوده من غیر تلویح اگر نفسی در لوح فؤاد و رئیس و لوح پاریس و سایر الواح که در شدائد سجن و فتح باب آن نازل شده ملاحظه نماید متحیر و مهوت میشود حرف به حرف ظاهر شده بعد از تنزیل هر یک از الواح بعضی از قلوب مطمئنه تعجب نمودند که این فقرات چگونه ظاهر خواهد شد این عبد معروض میداشت سوف بیرون یومی از ایام این عبد عرض نمود که اگر رئیس تائب شود آیا میشود بقمیص عفو فائز گردد اذا توجه الی وجه القدم و قال و الله الذی لا اله الا هو یظهر کل ما انزله الرحمن فی اللوح بعد به لسان پاریسی فرمودند اگر همه آسمان و زمین جمع شوند و بخواهند یک حرف از لوح رئیس را تغییر دهند قادر نبوده و نخواهند بود اگر کسی آن لوح مبارک را دیده باشد و بر قضایائیکه بر رئیس و اتباع او و ممالک او وارد شد اطلاع یافته باشد لیصیح بین الارض و السماء باسم الله ربنا العلی الابهی الناس نیام فی الحقیقه در خوابند و در این حالت هستند تا وقتی که خود را در درکات یعنی در مقامات خود ملاحظه کنند و همچنین فرمودند بنویس بافنان یا افنانی محزون مباشید از حوادث عالم از سحاب جود و سماء کرم مبذول میفرماید بآنچه مقتضی است اگر بر بعضی ضری و یا ضرری در این مصیبت کبری وارد بآسی نبوده و نیست انه لهو المعطى الکریم عطا میفرماید چنانچه فرموده و اگر در بعضی تأخیر رفته نظر بحکمت بالغه بوده انه یعلم ما یظهر و فی قبضته زمام الامور انه لهو المعطى الغفور " انتهى

"و اینکه مرقوم فرموده بودید که به جناب افنان آقا سید احمد علیه من کل بهاء ابهه مرقوم داشته‌اید که مصرف بازماندگان شهید مظلوم علیه نور الله و رحمته را بدهند این فقره فوق کل اعمال است در نزد حق جل جلاله در مقام اول و لکن باید بعد از اطلاع بر امورشان و آگاهی کما هی این فقره عمل شود چه که اگر در سر امری واقع شود و جناب آقا میرزا اسمعیل مطلع شوند البته سبب یأس او و شاید کدورتی ما بین او و بازماندگان واقع شود عند الله توجه شما به ایشان بسیار محبوب است لسان عظمة باین کلمه مبارکه ناطق طوبی از برای نفسی که جویای امورات ایشان باشد و آنچه ناقص است باصلاح آرد فی الحقیقه الیوم این فقره بسیار بزرگست انشاء الله آنحضرت و افنان مراقب بوده و خواهند بود آنچه درباره مطالبات و محاسبات و دیون شهید مظلوم مرقوم داشته بودید تلقاء وجه عرض شد فرمودند متوکلا علی الله موافق قانون تجارتي عمل فرمائید بعد از ادای حقوق افنان سدره و عامه بریه حفظ و صیانت مال ورثه لازم است تا حدی که از حکمت خارج نشود و سبب حزن و کدورت نگردد صاحب مال از دنیا و ما فیها گذشت و بمقامی راجع که جمیع عالم از ذکر ادنی وصف آن عاجزند و امر بازماندگان هم با حق تعالی شانه است انه نعم الوکیل و نعم الکفیل و لکن در ظاهر تمسک به اسباب من عند الله بوده و کل به آن مأمور " انتهى

انشاء الله در جمیع احوال بخدمت امر الله موفق و مؤید باشید فی الحقیقه آنحضرت زحمات کلیه در سبیل الهی حمل نمودند و همچنین حضرت افنان جناب آقا سید احمد علیه من کل بهاء ابهه الحمد لله به این مقام که شبه و مثل از برای او تصور نمیشود فائز شدید مقام حمد و شکر است در کل احوال یسئل الخادم الفانی ربه لینزل علیکم من سماء فضله رحمة من عنده و عنایة من لدنه انه لهو المعطى الکریم و الحمد لله رب العالمین - خ ا د م